

بپردو اگر يك چیزی مفقود شود يا خراب شود يا سرقت شود مسئول آن حمال باشي است و تجار هم كه از طرف خودشان او را معين کرده اند براي همین مسئله بوده كه مسئوليت اين قبيل مسائل بعهده خود آنها باشد .

ولی گاهی اتفاق می افتد كه اداره كمرك مثلا ميگويد شما اين مسئوليت را بعهده بگيريد و من يك اداره حمالی دارم و مسئوليت را خودم بعهده ميگيرم و اداره ميكنم و اين قضيه نيست كه محتاج بباحثه زياد باشد يك امری است بطور كلی كه بايد در تحت يك اداره در آيد و مرتب شود و بايد حمالها را لباس و نمره بدهند و آقا يان نظري ندارند جز اينكه يكباري بدهند و حمال ها بارشان را بگشايي ببرند و مطمئن باشند كه عیبی نخواهد كرد و خاطر آقا يان كازروني انشاء الله از اين باب آسوده خواهد شد و بتدريج مرتب خواهد گرديد .

رئيس - قبل از اينكه جلسه را ختم كنيم ۳ فقره راپورت از كميسيون مرخصي و دو پيشنهاده رسيده است قرائت ميشود و رأي ميگيريم .

(راپورت كميسيون عرايش و مرخصي راجع بمرخصي آقا يان مستوفى المالك بمضمون ذيل قرائت شد)

حضرت مستوفى المالك نماينده محترم بادلانل مقننه حضور خودشان را در مجلس از تاريخ ۲۷ دلو تا ۱ حمل متعسر دانسته تقاضا کرده اند كه اجازه غيبت بايشان داده شود كميسيون عذر موجه ايشان را پذيرفته تصويب مينمايد .

رئيس - رأي مي گيريم آقا يان يان كه مرخصي آقا يان مستوفى المالك را تصويب ميفرمايد قيام فرمايند .

(اغلب قيام نمودند)

رئيس - تصويب شد .

(راپورت ديگر راجع بمرخصي آقا يان معتمد السلطنه بشرح آني قرائت گرديد)

آقا يان معتمد السلطنه نماينده محترم بواسطه اشتغال بسوگواري تقاضاي يك هفته غيبت با اجازه از تاريخ ۲۳ دلو کرده اند كميسيون ابتلاي ايشان را تصديق تقاضا شان را تصويب مينمايد .

رئيس - رأي ميگيريم آقا يان كه مفاد راپورت كميسيون را تصويب ميكنند قيام فرمايند .

(اكثر نمايندگان قيام نمودند)

رئيس - تصويب شد .

(راپورت راجع بمرخصي آقا يان نظام التوليه نيز بشرح آني قرائت شد)

نظر باينكه آقا يان نظام التوليه نماينده محترم بواسطه امتداد راه از شدت سرما و برف و بارش ۴ روز از مدت اجازه مرخصي عقب تر ورود کرده اند و تقاضا کرده اند كه مدت مذكوره نيز غائب با اجازه منظور

شوند و نظر باينكه كميسيون عذرايشان را موجه و تقاضاي ايشان را بجا دانسته تقاضاي ايشان را تصويب مينمايد .

رئيس - آقا يان يان كه با مضمون اين خبر موافقت قيام فرمايند .

(اغلب نمايندگان قيام نمودند)

رئيس - تصويب شد . پيشنهاده آقا يان اميراعلم و سالار لشكر

(بشرح ذيل قرائت گرديد)

پيشنهاده مينمائيم كه قانون نظام اجباري روز پنجشنبه بعد از قانون انتخابات مطرح شود و روزهاي پنجشنبه بعد از اين انحصار بقانون نظام اجباري داشته باشد .

رئيس - آقا يان اخگر موافقتند؟

اخگر - مخالفم .

رئيس - بفرمائيد

اخگر - روزهاي پنجشنبه را مجلس رأي داده است براي قانون انتخابات كه مخصوص بقانون انتخابات باشد و بنده هم پيشنهاده كردم كه روزهاي ۳ شنبه را اختصاص بقانون اجباري بدهند لهذا خوبست آقا يان نمايندگان هم موافقت بفرمايند با پيشنهاده بنده كه روزهاي ۳ شنبه مختص باين قانون باشد .

رئيس - آقا يان قائم مقام

(اجازه)

قائم مقام - بنده هم مخالفم .

رئيس - آقا يان روي

روي - بنده هم مخالفم

رئيس - آقا يان سردار عشاير

(اجازه)

سردار عشاير - بنده هم مخالفم

رئيس - موافقي ندارد؟

آقا سيد يعقوب - بنده موافقم چرا موافق ندارد .

رئيس - بفرمائيد

آقا سيد يعقوب - تعجب ميكنم از آقا يان اخگر كه چرا مخالفت فرمودند .

اين قانون تجديد نظر در انتخابات روز ه شنبه تمام ميشود و ما هم آن روزها را معين کرده ايم براي يك قانون از اين جهت مقتضي است قانون نظام اجباري را معين كنيم براي روز ه شنبه كه اين قانون هم تمام شود .

بعضي از نمايندگان - رأي بگيريد .

رئيس - عده كافي نيست

مجلس يك ساعت بعد از ظهر ختم شد

رئيس مجلس شوراي ملي - مومن المالك

منشي - علي اقبال المالك

منشي - معظم السلطان

جلسه ۱۳۳

صورت مشروح مجلس يوم پنجشنبه هشتم حوت هزار و سيصد و سه مطابق دوم شهر شعبان هزار و سيصد و چهل و سه ۱۳۴۳

مجلس دو ساعت و بيست دقيقه قبل از ظهر برپاست آقا يان مومن الملك تشكيل گرديد

(صورت مجلس يوم ۳ شنبه ششم حوت را آقا يان آقا ميرزا جواد خان قرائت نمودند)

رئيس - آقا يان طهراني

(اجازه)

آقا شيخ محمد علي طهراني - قبل از دستور عرض دارم

رئيس - آقا يان اخگر

(اجازه)

اخگر - قبل از دستور

رئيس - آقا يان وكيل الملك و وكيل الملك - بنده در دستور عرض دارم .

رئيس - آقا يان حاج ميرزا عبدالوهاب

حاج ميرزا عبدالوهاب - بنده بعد از تصويب صورت جلسه عرض دارم

رئيس - نسبت بصورت جلسه ايرادي نيست؟

وزير ماليه - جرياناتي كه در ايام اخيره در مجلس شوراي ملي واقع شده است بنده را مجبور كرد كه برخلاف سيره خودم كه معتقد نيستم راجع بمسائلي كه خارج از دستور است در مجلس شوراي ملي مذاكراتي بشود از اين طريقه انحراف ورزم و عرايشي در اينجا بكنم .

مقصود بنده مذاكراتي است كه در نتيجه يك چيز هائي كه در اكثر مجلس پورئيس ماليه مملكت در هشتمين راپورت خودش نوشته بودو بعضي نسبت هاي بعضي از اشخاص محترم داده بود در مجلس شوراي ملي پيش آمد كه نوشته شدن آن مطالب و منتشر شدن آنها خيلي اسباب تأسف بوده و البته مراضی نبوديم اين كار واقع شود .

ولی بعد از آنكه يك مذاكراتي شد معلوم شد كه خود دكتر ميسيو هم حرف ها و اظهارات را از روي يك اشتباهات و سوء تفاهماتي گفته و بر خود او هم معلوم شد كه مناسب نداشته است .

(بعضي از نمايندگان - صحيح است)

پس بنا بر اين ميخواهم عرض كنم كه ادامه اين مشاجرات و مناقشات در مجلس شوراي ملي مناسب نيست .

هم منافي حيثيت مجلس شوراي ملي است و هم تضییع وقت ميكنند و هم مضر است .

آقا يان محترم مسبقند و بسياري از

آقا يان حاضر هم در دوره چهارم نيز در اين دارند و ميدانند و خودشان شرم فرمودند در اين مسئله كه يك هيئتي از آقا يان اصلاحات اقتصادي و ماني ميبودند ايران استخدام شوند و در اين قضيه اين ع تأمل و تعمق را هم بجا آوردند و با املا اطراف اين كار را کردند و خيلي هم براي بزرگي در نظر داشتند باين مملكت شوراي و کرده اند .

دولت ايران هم .

دولت حاضر هم با اين ترتيب نخواه موافقت را داشته و دارد و بقا يان امريكائي را در ايران لازم ميدانند بنده ا يقين دارم و ميدانم مجلس شوراي ملي حكوم همین عقیده را دارد و حتى تصور ميدهم همان آقا يان يان هم كه از عمليات ميسر شده آ ميريكائي تنقيدياتي کرده اند و شك باين دارند آنها هم همین عقیده را دارند .

بعضي از نمايندگان - بنده

بنا بر اين بنده تكليف خود را دارم كه در اينجا عرض كنم و توضيح بدهم كه اين چيز هائي كه پيش آمده چه از طرف دكتر ميسيو و چه از طرف آقا يان نمايند محترم اينها همه مبني يك اشتباهات و سوء تفاهمات بوده است .

مطلب خيلي آسان است كه شود چرا در بين اشخاص اين قبيل سوء تفاهمات پيش مي آيد .

مثلا ممكن است بعضي از آقا يان نظر داشته باشند و توقع داشته باشند اصلاحات مالي و اقتصادي سريعتر از واقع شده است ميبايستي بشود مسائل .

مثلا بپايممكن است بين اشخاص اختلاف عقیده پيدا شود يك مثلي را بر زخم كه خيلي ظاهر است .

مثلا دكتر ميسيو در پيشنهاده بنده هنده السنه در اول سال يك عايداتي را رفع کرده بود كه قانون مالياتي آنها هنر تصويب مجلس شوراي ملي نگذشته آقا يان اعضاء كميسيون بودجه معتقدند ماليات هائي كه در مجلس شوراي ملي وضع نشده است عايدات آنها را بايد در منظور داشت .

حالا هر كدام از اين دو دسته بصورت دلائلي دارند و هر كدام هم در يك نسخه اميد و ذی عقند .

دكتر ميسيو ميگويد اين مطالب را در همه جای دنيا مرسوم است دولت ها حاصل موقع پيشنهاده كردن بودجه در ماليات ها و زياد ميكنند .

ايجاد حذف ماليات مينمايند و همان تصرفات در قانون بودجه يك عايداتي پيش بيني ميشود و يك عايداتي قلمه شورو و ميكنند .

راست هم ميگويد اين مطلب هم

آقا يان حاضر هم در دوره چهارم نيز در اين دارند و ميدانند و خودشان شرم فرمودند در اين مسئله كه يك هيئتي از آقا يان اصلاحات اقتصادي و ماني ميبودند ايران استخدام شوند و در اين قضيه اين ع تأمل و تعمق را هم بجا آوردند و با املا اطراف اين كار را کردند و خيلي هم براي بزرگي در نظر داشتند باين مملكت شوراي و کرده اند .

تشریح این قسمت  
دکتر میلسیو حق دارد  
آقایانی هم که چه در کمیسیون  
بود چه در مجلس شورای ملی برخلاف  
این عقیده هستند حق دارند  
البته آنها هم از یکجتهی ذی حقتند  
برای اینکه میگویند این بودجه بمجلس  
شورای ملی آمده است و تا از مجلس بگذرد  
این عایداتی که پیش بینی شده و هنوز  
قانوناً تصویب نشده برای ایجاد عایداتی  
نخواهد کرد  
حالا این برسبیل مثل بود و مقصود  
بنده این نیست که اینجا بین این دو نظر  
حکومت کنم  
بلکه مقصود این است که دو عقیده پیدا  
شده است و این اختلافات گاهی منجر به  
این میشود که هر کدام از طرفین آن قسمتی  
را که خودش عقیده دارد نصف العین قرار  
میدهد  
و قسمت های دیگر را منظور نمی  
دارد و آن وقت منتهی میشود بیک تنقیداتی  
که مستقیماً بطور حدت و حرارت میشود  
و بالاخره فساد و نقتینی که بدبختانه همیشه  
ممکن است واقع شود و واقع هم می شود  
طرفین از یکدیگر نسبت بخود یک سوء  
نیتی تصور میکنند  
چنانچه بنده یک موقعی ر ابرای العین  
فیدم که دولت معتقد بود این که دکتر میلسیو  
میخواهد در ایران کار کند و دکتر میلسیو  
معتقد بود باینکه دولت نمیخواهد او  
کار کند  
و حال آنکه هر دو اشتباه بود بدمم  
معلوم شد که دولت میخواهد کار کند و  
مساعدت هم بکند  
خود دکتر میلسیو هم دانست و ملتفت  
شد و وقتی فهمید ظاهر کردو رسماً اظهار  
کرد که من میخواهم اینجا بمانم و کار  
کنم و اشتباه بین دولت و دکتر میلسیو  
رفع شد  
پس لازم است بین آقایان نمایندگان  
محترم که بایک شوق و ذوقی میسیون امریکائی  
و این مملکت دعوت کرده اند و یک توقعات و  
انتظار خدماتی از آنها دارند و دکتر  
میلسیو و میسیون امریکائی را هم بنده  
شهادت میدهم و تصدیق میکنم که بایک  
تعمدیتی آمده اند اینجا و میخواهند کار  
کنند و فوق العاده زحمت میکشند ما هم  
امیدواریم و توقع داریم که حقیقتاً خدماتی  
مطابق با آن انتظار داریم انجام بدهند  
بین این دو طرف موافقت و اتحادی  
حاصل شود (بعضی از نمایندگان صحیح  
است) و در واقع این موافقت لازمه اش حصول  
و تالیف حسبه و امیدواری هائی است که  
داریم و امیدواریم این سوء تفاهات رفع  
شده و این مشاجرات و مناقشات بر طرف  
شود و واقعاً کاری نکنیم که از برای مملکت  
نتایج حسنه حاصل شود

(صحیح است)

از طرف دکتر میلسیو هم بنده اطلاع دارم و میتوانم بآقایان اطمینان بدهم که رفع اشتباه شده است زیرا یک وقتی تصور میکرد که شاید یک اشخاصی با او ضدیت میکنند و شاید مایل نیستند اصلاً میسیون اینجا باشد

ولی حالا رفع این اشتباه برای ایشان شده است حتی مقارن منتشر شدن همان راپورت هشتم که بعضی از مطالب او اسباب این اختلافات و مذاکرات شدیک کاغذی بنده نوشته است و در آن جان توضیح می دهد و میگوید این راپورت دو ماه پیش نوشته شده و یک ماه قبل هم بطبع رسیده است (اگر چه طی راپورت بعد نمایندگان که در حین مطالعه در کمیسیون پارلمانی بعقیده من بی سبب بامن مخالفت میکردند اعتراض کرده ام معیناً لازم میدانم اینک رضایت و امتنان خود را از وضعیت دوستانه و مساعدی که اکثریت مجلس شورای ملی نسبت بدوستدار اتخاذ نموده اند بموجب این مراسم اظهار و ضمناً تذکر بدهم که اساساً مجلس شورای ملی در نظر دوستدار بلندترین و محترم ترین مقامات را حائز و آقایان نمایندگان که از نقطه نظر منافع وطن با آن که جز منافع ایران چیزی در نظر ندارم مساعدت کرده اند مورد هم قسم تقدیر و تکریم دوستدار میباشند)

**آقاسید یعقوب** - این هم ضمیمه راپورت است؟  
**وزیر مالیه** - این کاغذی است که بنده خطاب کرده است در خصوص این راپورت هم بنده اینجا لازم میدانم توضیحاتی بدهم (چون یکی از آقایان محترم هم از بنده سؤال کرده اند)

این راپورت اولین راپورتنی بوده است که در زمان تصدی بنده در وزارت مالیه بطبع رسیده است و مخاطبش من بوده ام قبل از این راپورت هم یک راپورت دیگری در زمان بنده منتشر شده است

ولی مخاطبش من نبوده ام و بنده بدکتر میلسیو این تذکر را دادم که مخاطب راپورت وزیر مالیه است و قبلاً باید وزیر مالیه مطالعه کند

البته همینطور هم خواهد شد  
پس مقصود عرض من این بود که از طرف دکتر میلسیو بنده اطمینان حاصل کرده ام که رفع شبهه از او شده است و دیگر هیچ نظری نسبت بآقایان نمایندگان شخصاً و جمعاً ندارد و کمال میل را هم دارد و حاضر است که با موافقت همه آقایان بدون استثناء کار کند و با انکاه آقایان محترم در راه خدمت بمملکت جدیت کند

زیرا مقصود او جز خدمت کردن به مملکت چیزی دیگری نیست و البته خدمت کردن او هم مستلزم موافقت و مساعدت مجلس شورای ملی است

بنابر این از آقایان نمایندگان محترم تقاضا میکنم و تمنا میکنم با آن نیتی که برای خدمت کردن باین مملکت دارند با همان نیتی که میسیون امریکائی را دعوت کرده اند با همان نیت یک دست بدست هم بدهند و با اتفاق هم کار کنند و باین نیتی که خودشان بمملکت دعوت کرده اند برای اینکه خدمت کنند (و میدانم آنها هم مقصودشان خدمت کردن است) موافقت بفرمایند و دیگر مشاجرات و منازعات را کنار بگذارند

بلکه باین وسیله تسریع کنیم و رسیدن بآن نتیجه که اصلاح امور اقتصادی و مالی مملکت باشد تا از این راه هم بابناء نوع خودمان خدمت کرده باشیم و هم برای خود کسب شرافتی کرده باشیم

**بعضی از نمایندگان** - وارد دستور بشویم  
**رئیس** - آقای آقاسید یعقوب سؤال داشتند

**آقاسید یعقوب** - بنده خیلی خوشحال هستم که هم آقای وزیر مالیه و هم آقای وزیر فواید عامه تشریف دارند و یک مسئله را بعرض هر دو شان میرسانم

حضور مبارک آنای رئیس هم عرض کردم و حالا هم خدمت هر دو آقایان عرض میکنم که در هشتمین راپورت رئیس کل مالیه در صفحه چهار و یک سطر هشتم راجع بامتیاز رب سوس نوشته شده که ما صلاح دانستیم بنصر الملک

**رئیس** - آقا سؤال خودتان را بکنید

**آقاسید یعقوب** - برخلاف نظامنامه عرض نکردم تذکر میدهم بعد بیایند جواب بدهند

**رئیس** - راجع بقند سؤال داشتید

**آقاسید یعقوب** - بنده متذکرشان میکنم که دوسیه را نگاه کنند بعد بیایند جواب بدهند در نظامنامه همچو سابقه ندارد

**رئیس** - قبلاً که اطلاع نداد اید (همه نمایندگان)

**آقاسید یعقوب** - آقایان شمار بخدا قسم میدهم که حقوق نظامه خودتان را از بین نبرید

**رئیس** - راجع بقند شما میخواستید سؤال کنید حالا سؤال دیگری میکنید؟

**آقاسید یعقوب** - در نظامنامه اطلاع کتبی ندارد

پس بفرمائید بنده را بیرون کنند (صدای زنگ رئیس)

**آقاسید یعقوب** - بسیار خوب سؤال ندارم

(بمحل خود مراجعت نمودند)  
**رئیس** - راجع بقند اگر سؤال می خواهید بکنید بفرمائید

**آقاسید یعقوب** - خیر سؤالی ندارم

**حاج میرزا عبدالوهاب** - بنده راجع بقند سؤال دارم  
اجازه میفرمائید؟  
**رئیس** - بفرمائید

**حاج میرزا عبدالوهاب** - از فراری که بنده شنیده ام قند این مملکت را دو نفر از تجار کثرت کرده اند و در سر حد هر یوطی یک تومان میگیرند و بسایر تجاری - فروشنده باین جهت سایر تجار جرأت نمی کنند قند از خارج وارد کنند و یک من یک تومان بر قیمت قند علاوه شده است

بنابر این خواستم ببینم آقای وزیر فواید عامه از این قضیه اطلاع دارند یا نه؟

اگر اطلاع دارند مطابق چه قانونی این اجازه بآنها داده شده است و اگر اجازه داده نشده چه حق داشته اند بدون اجازه این کار را کرده اند استدعا می کنم جوابش را بفرمائید

**وزیر فواید عامه** - بطوری که بنده اطلاع دارم در سر حد هیچ یک تومان و یک فرانی گرفته نمیشود

علت گرانی قند در تهران که در این باب سوء تفاهمی حاصل شده است مسدود بودن راهها است

الان در رشت و قزوین و بین رشت و قزوین و همینطور در حدود غرب مقادیر زیادی قند هست و بمجرد اینکه راه باز شود دوباره قند تنزل خواهد کرد و قیمتش همان ۱۲ قران معمولی خواهد شد

چنانچه با وارد شدن یک مقدار کمی قند حالا هم قیمتش تنزل کرده است حتی تقریباً میتوانم عرض کنم که این تنزل در ظرف امروز و فردا واقع میشود زیرا که راهها باز شده است و هنقریب قند وارد خواهد شد و فقط گرانی قند بواسطه مسدود بودن راهها بوده است

**حاج میرزا عبدالوهاب** - آقای وزیر فواید عامه این اطمینان را بمجلس می دهند که آنطور که عرض کردم کثرت نشده است و یک چنین اقدامی نشده است یا خیر؟

چون جواب این قسمت را فرمودند فقط فرمودند باز شده است

بنده هم میدانم راه باز شده ولی اصلاً خواستم بدانم که این مسئله کثرت حقیقتاً چه بوده است و اینکه گفته می شود دو نفر از تجار قند را کثرت کرده اند صحت دارد یا خیر؟

**وزیر فواید عامه** - بنده خیال کردم اگر مختصر جوابی عرض کنم کافی خواهد بود چون اصلاً مقصود راجع بگرانی قند بود که عرض کردم که راه باز شد تنزل خواهد کرد

ولی معلوم شد که آن مقدار کافی نیست و باید توضیحات مفصل تری داد.

قضیه ترقی قیمت قند اسباب اضطراب خاطر مردم شده بود و همین جهت تظلم و شکایت به آقای رئیس الوزرا کردند که در این باب مطالعه بکنم و اگر کم لازم است اقداماتی برای جلوگیری بکنم بنده هم داخل مذاکره و مطالعه شدم شهرت هم داشت که این معامله را حاج معین التجار کرده است.

باین جهت با ایشان هم داخل مذاکره شدم.

یعنی هم خریدار و هم بفروشنده مذاکره کردیم.

اولاً دیروز حاج معین را خواستم به وزارتخانه و ایشان رسماً تکذیب کردند و گفتند من همچو معامله و قراردادی نکرده ام.

بنا بر این حق نداشتم وقتی یک همچو تکذیب رسمی شد ایشان را تعقیب کنم و دیروز مخصوصاً در وزارت فوائد عامه جداً تکذیب نمودند و اظهار داشتند که من هیچ نوع معامله در این باب با کسی نکرده ام.

بافروشنندگان هم داخل مذاکره شدم گفتند هیچ نوع انحصار معامله در بین نیست هر کس هر قدر قند میخواهد در وقت و انزلی هست و حتی بعد از باز شدن راه ها حاضریم در تهران تحویل بدیم و معامله کنیم.

چون این مطلب گفته شد و خود بنده هم اطلاع کامل دارم.

مرض میکنم که مقادیر زیادی قند خواهد آمد و بواسطه مسدود شدن راهها مانده است.

و علاوه تجار تهرانی برای کمک دادن بقند تهران یک مقداری قند از قم خریدند و وارد کرده اند و بقیه بنده در ظرف همین یک دو روز در راهها باز و قند تنزل خواهد نمود و بهمان قیمتش معمولی خودش ۱۲ هزار خواهد رسید.

چنانچه حالا هم تا اندازه تنزل کرده است و گمان نمیکنم دیگر نگرانی باقی باشد.

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - بنده در چند جلسه قبل مذاکره کراتی راجع به ندرجات راپورت هفتم و هشتم رئیس کل ماله کردم و بعد از آنجا دیگران یک صحبت هائی کردند در همان موقع اجازه خواسته بودم که توضیحاتی بدهم.

ولی مجلس داخل در دستور شد حالاً که آقای وزیر ماله تشریف آوردند از موقع استفاده کرده و مختصر توضیحاتی میدهم.

اولاً مراض بنده از نقطه نظر شخصی نبود.

ثانیاً در ضمن اظهارات خودم هیچ وجه اسمی از مسیون و هیئت اعزامی امریکائی نبردم.

بعضی ها اینچاسابیدخواستند موضوع را منقلب کنند و اینطور وانمود کنند که اعتراض من بر مجموع مستخدمین امریکائی است در صورتیکه آقایان تشریف داشتند و تصدیق میفرمایند که بنده هیچ کلمه را نگفتم.

بنده مقصودم این نبود که از مسیون آمریکائی تنقید کرده باشم.

بالینکه نسبت به مسیون آمریکائی نظر مساعدی است و با اینکه بنده در دوره چهارم یک نفر از اشخاصی بودم که موافق بودم با آوردن مستشار والان هم همان عقیده را دارم.

ولی مخالفت و اعتراض من از این جهت بود که نباید یک چیز هائی طبع و منتشر شود که تولید یک زحمتی بکنند.

ولی حالاً که آقای وزیر ماله با تصریح اظهار کردند که نوشتن مطالب در این راپورت های اخیر مبنی بر یک سوء تفاهات و اشتباهاتی بوده است که نسبت بر رئیس کل ماله شده است و حالاً که این اشتباهات از ایشان رفع شده بنده هم امیدوارم در همان طور که آقای وزیر ماله اظهار کردند دیگر در راپورت هائی که میدهند مسائلی که مبنی بر سوء تفاهم و اشتباه باشد تکرار نشود.

**بعضی از نمایندگان** - وارد دستور بشویم.

**وزیر ماله** - شاید خاطر آقایان محترم مسبق باشد که الات و ادوات راه آهن تیریز و جلفادر حین استعمال محتاج به تجدید و تعمیر شده است من جمله یکی از آنها که توریست دارد دودس گاه اسکوتوبو است از برای این راه آمدن و مدتی بود دولت در صدد تهیه و فراهم کردن وسیله آوردن آن ها بود و اخیراً امیدواری و اطمینانی حاصل شده است و معتقدیم میتوانیم آن لکوتوبوها را داشته باشیم.

بنا بر این لازم است که این لکوتوبوها را خریداری کنیم و برای خریداری آنها هم اعتباری لازم است که در بودجه هندالسنه منظور نشده است این است که این لایحه قانونی را برای اخذ آن اعتبار بمجلس شورای ملی پیشنهاد میکنم.

**اخگر** - بنده تقاضای فوریت می کنم.

رئیس - آقای افشار (اجازه)

**افشار** - در جلسه هیجدهم حمل هزار و سیصد و شصت و دوم چهارم تقنینیه بپوجب ۴ ماده و ۱ تبصره که اگر آقایان اجازه بدهند موادش را بمیوهاتم.

ماده اول - مجلس شورای ملی بوزارت ماله اجازه میدهد که یک اعتبار مقدماتی که بالغ بر مبلغ یکصد هزار تومان باشد برای مخارج لازمه مربوطه به آنها شده و بندر گاوآلات فلاحات عمارت و ساختمان و سایر مخارج فوق العاده که برای اجرای این امر لازم میشود در صفا آذربایجان به مصرف برسانند.

ماده دوم - وزارت ماله مجاز است در حدود اعتبار مصرف ماده ۱ این قانون بارباب املاک مغروبه در تحت شرایط و موادی که وزارت مشارالیه صلاح بداند اعطای قرضیه نماید.

تبصره - مقصود از صفا آذربایجان در ماده اول عبارت از صفاغات غارت زده ارومیه و سولدوزان و ازب و سولماس و قسمتی از قراقرم میباشند.

این قانون که مشتمل بر دوازده ماده و یک تبصره است در جلسه هیجدهم حمل هزار و سیصد و دو بصوب مجلس شورای ملی رسیده است.

هفت سال قبل از این در موقعی که ارومیه را بکلی غارت کردند و قتل عامش کردند در ایران و مخصوصاً در تهران یک اهانه از طرف دولت و ملت ایران برای اهالی ارومیه جمع آوری شد و مقدار این اهانه یکصد و سی و هفت هزار تومان بود حالاً چطور مصرف شد؟

در آن قسمت داخل نشوم پنججاه و دوهزار تومان از بابت این اهانه زرداره تومانیان و دیمه گذاشته شده است و این مبلغ بعد از ورود مسیون محترم امریکائی از بابت فروش یتبه توقیفی اداره تومانیان در بار فروش وصول شد.

پس در این صورت صد هزار تومان مجلس شورای ملی برای ارومیه تصویب کرده بود ۵۲ هزار تومان هم خود اهالی ارومیه داشته اند و مجموع این دو مبلغ باید برای ارومیه مصرف شود که عبارت صد و پنججاه و دوهزار تومان است.

بموجب این صورت که راجع بتفریغ حساب هزار و سیصد و دو است وزارت ماله در ارومیه از بابت صد هزار تومان پنججاه و شش هزار و دویست و هفتاد و پنج تومان بمصرف رسانده.

یعنی پنججاه و دوهزار تومان متعلق به خود اهالی بوده قریب چهار هزار تومان از بابت آن صد هزار تومان در ارومیه به مصرف رسیده است.

آن وقت این ۵۲ هزار تومان که از بابت اهانه متعلق بوده است بخود اهالی ارومیه این مبلغ را از آن صد هزار تومان موضوع کرده اند در صورتی که در تفریغ بودجه میبایست این ۵۶ هزار تومان از صد و پنججاه و دوهزار تومان موضوع بشود.

بنده شرحی بوزارت جلیله ماله نوشته بودم و تقاضا کرده بودم مبلغی را که در آنجا

بمصرف رسانده اند صورتش را تفکیک کرده ببنده.

اولاً اشخاصی که این اهانه را بر آنها داده بودند مسائلی بودند که در آن غارت شده بودند و مدتی در راه بودند و مسلمانان محل بودند در صورتی که بمرور این شرحی که وزارت ماله ببنده مینویس از دوهزار و هفتصد و هشتاد و هشت تومان بمعمل غیر مسلمه داده شده و اگر این مبلغ هم از پنججاه و شش هزار تومان که بمصرف رسانیده اند موضوع شود یک مبلغی هم از اهانه خود اهالی ارومیه کمتر داده شده است. برای اینکه آن صد هزار تومان را هم در دست بمصرف رسانیده اند.

و این مبلغی را هم که در آنجا بمصرف رسانیده اند بعنوان قرضه بر مردم داده اند از راه وثیقه ملکی والان مأمور گذارده در خانه مردم و مصراً قسط اول این قرضه طلب مینمایند هر کس هم ندهد البته طلبتار جزو خالصجات دولت میشود.

این سئوالی است که از وزارت ما دارم و استدعا میکنم جواب بدهند.

وزیر ماله - سئوالی که کرده اند با تفصیل مطلب را از وزارت ماله خواسته که راپورت آن را ببنده بدهند.

ویک راپورتی هم داده اند و لکن چندان شده مسبق بودم که امروز در این سئوال خواهد شد آن راپورت را همراه نماند و مطالعه نکرده ام در جلسه دیگر جواب عرض خواهد شد.

**بعضی از نمایندگان** - داخل دستور بشویم.

رئیس - آقای وکیل الملک نسبت دستور حرفی دارید؟

**وکیل الملک** - قانون انتخابات ماده بیشترش نمانده است که تمام خواستم تقاضا کنم ۳ ماده که از شورده لایحه اوزان و مقادیر مانده اگر مجلس شود و البته ترتیب برای ما بدست می آید که اکثریت نسبی خواهد بود.

هر کسیکه در مقام اول است اگر استتکاف کرد شخص بعد از او ولو اینکه یکمده رای کمتر از او داشته باشد میبایستی به آن شخص مراجعه بشود و گمان میکنم این ملاذم را درای نداشته باشد.

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

**شیروانی** - قانون را باید یک قدری با مقتضیات مملکت و عملیات اشخاص هم تطبیق کرد.

در اینجا میگویند که انجمن نظار اخطار میکند به آن کسی که کیل شده است اگر در دفعه اول و دوم جواب نداد آن وقت دیگری را وکیل میکنند خوب آن جاهای دور که ما اطلاع نداریم وضعیت انتخاباتش چطور است و باین زودی ها هم

نمیشود در این مملکت قانون آنطوری که ما میخواهیم اجرا شود اگر انجمن نظار در توی صورت مجلس یاد توی دوسیه برای اینکه به آن شخص بیاوند تا باین داشت نوشت که باو اخطار کردم و او استتکاف کرد بجز اظهار انجمن نظار ما چه مدرکی میتوانیم داشته باشیم؟

برای اینکه وقتی انجمن نظار دیگری را وکیل دانست او وکیل است و آن یکی رد شده و رد شده باید تصورش کرد.

ما چه مدرکی میتوانیم داشته باشیم که انجمن نظار در اینجا اعمال فرض کرده؟ در صورتیکه اگر این اختیار باقی بماند تا در محل استیناف خودش که مجلس شورای ملی است رسیدگی شود و مجلس بدوسیه که رسیدگی کند و ببیند اولی استتکاف کرده است دومی را وکیل بداند بهتر است.

ولی در آن قسمت بنده موافقم که دومی باید وکیل شود چون اگر دومی تبه تجدید انتخاب شوند مدتی اول میکشند ولی در قسمت اول این حق را (آنهم یک همچو حق بزرگی بدون نظارت حکومت و هیچ محلی نباید بانجمن نظار داد و باید یک محل استینافی هم داشته باشد و بالاخره مجلس شورای ملی اگر دید اولی استتکاف کرده دومی را اختیار کند و وکیل بداند حائری زاده (مخبر کمیسیون) این مسئله گمان میکنم بوضوحش واگذار شده به علاوه برای اجرای هر قانون دولت باید یک نظامنامه هم تنظیم کند.

در آنجا هم نوشته دودفعه ابلاغ میشود و اگر چنانچه انجمن نظار دوسیه کردند و تقبل کردند و ابلاغ نکردند آن شخص که وکیل شده گنک نیست و اعتراض میکند که من وکیل شده ام چرا ابلاغ نکردید و چرا مرا محروم کردید و تصور میکنم این ماده واضح است و محتاج بتفسیر نیست و حالا هم اگر آقایان پیش نهادی دارند بفرمایند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است (بعضی گفتند کافی نیست) رئیس - عده کافی نیست شیروانی - تنفس بدهید (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید) رئیس - در ماده پنججاه و چهار گفته شد مذاکرات کافی است و بعضی ها مخالفت کردند و بنا عشد رای بگیریم.

آقایانی که کفایت مذاکرات را تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) رئیس - تصویب شد پیشنهادها قرائت می شود (بعضیون ذیل خوانده شد) پیشنهاد آقای دامغانی بنده پیشنهاد

نمیشود در این مملکت قانون آنطوری که ما میخواهیم اجرا شود اگر انجمن نظار در توی صورت مجلس یاد توی دوسیه برای اینکه به آن شخص بیاوند تا باین داشت نوشت که باو اخطار کردم و او استتکاف کرد بجز اظهار انجمن نظار ما چه مدرکی میتوانیم داشته باشیم؟

برای اینکه وقتی انجمن نظار دیگری را وکیل دانست او وکیل است و آن یکی رد شده و رد شده باید تصورش کرد.

ما چه مدرکی میتوانیم داشته باشیم که انجمن نظار در اینجا اعمال فرض کرده؟ در صورتیکه اگر این اختیار باقی بماند تا در محل استیناف خودش که مجلس شورای ملی است رسیدگی شود و مجلس بدوسیه که رسیدگی کند و ببیند اولی استتکاف کرده است دومی را وکیل بداند بهتر است.

ولی در آن قسمت بنده موافقم که دومی باید وکیل شود چون اگر دومی تبه تجدید انتخاب شوند مدتی اول میکشند ولی در قسمت اول این حق را (آنهم یک همچو حق بزرگی بدون نظارت حکومت و هیچ محلی نباید بانجمن نظار داد و باید یک محل استینافی هم داشته باشد و بالاخره مجلس شورای ملی اگر دید اولی استتکاف کرده دومی را اختیار کند و وکیل بداند حائری زاده (مخبر کمیسیون) این مسئله گمان میکنم بوضوحش واگذار شده به علاوه برای اجرای هر قانون دولت باید یک نظامنامه هم تنظیم کند.

در آنجا هم نوشته دودفعه ابلاغ میشود و اگر چنانچه انجمن نظار دوسیه کردند و تقبل کردند و ابلاغ نکردند آن شخص که وکیل شده گنک نیست و اعتراض میکند که من وکیل شده ام چرا ابلاغ نکردید و چرا مرا محروم کردید و تصور میکنم این ماده واضح است و محتاج بتفسیر نیست و حالا هم اگر آقایان پیش نهادی دارند بفرمایند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است (بعضی گفتند کافی نیست) رئیس - عده کافی نیست شیروانی - تنفس بدهید (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید) رئیس - در ماده پنججاه و چهار گفته شد مذاکرات کافی است و بعضی ها مخالفت کردند و بنا عشد رای بگیریم.

آقایانی که کفایت مذاکرات را تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) رئیس - تصویب شد پیشنهادها قرائت می شود (بعضیون ذیل خوانده شد) پیشنهاد آقای دامغانی بنده پیشنهاد

میکنم در ماده ۴ نوشته شود:

اگر در دفعه ثانی نیز تا یک هفته جواب ندهد انجمن نظار سکوت او را بمنزله قبول تلقی میکنند.

پیشنهاد آقای حاج میرزا عبد الوهاب بنده پیش نهاد میکنم تبصره ذیل بماده ۴ اضافه شود:

در صورتی که نماینده اول حضور نداشته باشد در حوزة انتخابیه علاوه شود ذهاب و ایاب بپست یا بخاربره تلگرافی.

پیشنهاد آقای سهام السلطان - بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۴ بشرح ذیل اصلاح شود:

از نظر چهارم هر گاه جواب نداد مجدداً توسط وزارت داخله یا حکومت محل با اخطار الی آخر پیشنهاد آقای وکیل الملک - پیشنهاد میکنم تبصره ذیل بماده ۴ ضمیمه شود:

تبصره - مدت دادن جواب برای اشخاصی که در خارج ایران هستند یک ماه خواهد بود.

پیشنهاد حاج سیدالمحققین - پیشنهاد مینمایم در ماده ۴ بعد از جمله (پس از وصول ابلاغ نوشته شود در صورتی که حوزة انتخابیه حاضر باشد و بآخر ماده مزبور علاوه شود در صورتی که نماینده در خارج از حوزة انتخابیه باشد باید جواب رد و قبول را در ظرف یک ماه بدهد.

پیشنهاد آقای میرزا جوادخان - بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۴ برای اخطار عوض یک هفته یا نوزده روز مدت معین شود.

پیشنهاد آقای تهرانی - بنده پیشنهاد می نمایم که بعد از لفظ (مجدداً) این قسم نوشته شود:

در ظرف یک هفته از طرف انجمن باو اخطار میشود در دفعه ثانی اگر نیز تا یک هفته رسماً جواب ندهد انجمن نظار استتکاف او را در حکم رد دانسته و بآن کسی که بعد از او حائز اکثریت و دارای ثلث مجموع آراء باشد مراجعه مینماید.

پیشنهاد آقای میرزا جوادخان - بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۴ در سطر دوم پس از لفظ (انتخابات آنان را) اضافه شود:

کتباً و با تلگرافاً پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو - بنده پیشنهاد میکنم این تبصره بماده ۴ قانون انتخابات علاوه شود:

تبصره - منتقین که بدسترسی ابلاغ نباشند مدت ابلاغ موکول بتعین محل ابلاغ و مدت اخذ جواب است.

رئیس - ماده پنججاه و پنج (بعضیون ذیل خوانده شد) ماده ۵ منشی انجمن نظارت صورت مجلس انتخابات حوزة انتخابیه را در سه نسخه حاضر کرده بهر حکومت و اعضاء اعضاء انجمن رسانیده یک نسخه با داره

حکومتی و نسخه دیگر را بتوسط حکومت و وزارت داخله بمجلس شورای ملی و نسخه ثالث را باتمام دفاتر انتخابیه انجمن ایالتی و ولایتی و در صورت نبودن انجمن به بدفتر عدلیه محل میفرستد.

تبصره - اوراق شکایات ضمیمه صورت مجلس ارسالی بمجلس شورای ملی خواهد شد.

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

**یاسائی** - عرضی ندارم.

رئیس - آقای طهرانی تشریف ندارند آقای شیروانی.

(اجازه)

**شیروانی** - بنده در این تبصره می خواستم عرض کنم راجع باوراق شکایات در اینجا اضافه شود:

اوراق شکایاتی که در ظرف مدت قانونی داخل شده است.

**مخبر** - تصور نمی کنم که کمیسیون هم مخالفت داشته باشد پیش نهاد کنی برای یادآوری.

رئیس - آقای دستغیب (اجازه)

**دستغیب** - این جامی گوید:

یک نسخه به اداره حکومتی بدهد یکی بانجمن ایالتی و ولایتی بدهد و اگر نبود بدفتر عدلیه محل بدهد.

علت اینکه بانجمن ایالتی یا ولایتی بدهد دولت اینک اگر او نباشد یک نسخه هم بعدلیه بفرستد چه چیز است؟

برای اینکه حاکم قضیه در مرحله اول شعبه مجلس است و بعد مجلس وفایده اینکه بدفتر عدلیه بفرستد گمان می کنم منظور این بوده است که شاید در مرحله قضائی از قبیل تهدید و تطمیع باشد آن وقت دفتر عدلیه صورت انتخابات را داشته باشد و اگر غیر این باشد در موقع تجدید نظر در نظامنامه داخلی پیش بینی شده و محتاج نیست که بدفتر عدلیه بفرستد برای اینکه در صورتی که وکیل استفاده کرد یا فوت کرد دیگر رسیدگی بان دوسیه نمیشود مگر در صورتی که تهدید یا تطمیع عنوان مجازاتی در بین باشد آن وقت هم خود مجلس دوسیه و صورت مجلس را بعدلیه می فرستد.

ولی اساساً فلسفه ندارد انجمن نظار دوسیه را بعدلیه بفرستد برای اینکه محل عدلیه نیست.

ولی اگر بدست منجر شود برسیدگی عدلیه و احتیاج داشته باشد که از ادرة مجازات بعدلیه بسرود خود مجلس می فرستد.

پس ازومی ندارد بدفتر عدلیه فرستاده شود بمقیده من یک توهینی است از یک نفر نماینده که دوسیه او فرستاده شود

بدرلیه . . .  
 شپروانی - برای اینکه ضبط شود . دست غیب - التفات بفرمائید . اما در مسئله ضبط دفتر را که مجلس ضبط می شود و اگر برای خاطر این است که ضبط شود در خود مجلس ضبط می شود و استعجاب هم بیشتر است دیگر نسخه دیگری بفرمایید که ضبط لازم ندارد بواسطه اینکه یکی در اداره حکومتی است و یکی هم در مجلس است و دیگر لازم نیست بدفتر هدلیه فرستاده شود .  
 مخبر - تصور می کنم نماینده محترم طرف مخالف را کمتر مطالعه فرموده اند . دوسیه انتخابات وقتی بسته شد انجمن نظارت سه نسخه حاضر می کند یکی مینهد به حکومت که بتوسط وزارت داخله برای مجلس شورای ملی فرستاده شود . یکی راهم حکومت در دفتر خودش ضبط می کند .  
 اگر نسخه ثالثی نباشد که با انجمن ایالتی و ولایتی یا در غیاب انجمن بدفتر هدلیه بفرستد ممکن است پست در راه از بین برود و آن قسمتی که باید بمجلس برسد و آن قسمتی هم که در دفتر حکومت هست ممکن است مفقود شود آنوقت تکلیف چیست ؟  
 و انتخابات از کجا معلوم می شود ؟ لذا برای استحکام این کار يك نقطه دیگری خواستند پیدا کنند و قرار شد اگر انجمن ایالتی و ولایتی باشد بدفتر انجمن بفرستد و اگر انجمن ها نباشند فکر کردند چه بکنند که يك محل ثالثی پیدا کنند و آن محل ثالث بسیرند و عدلیه را معین کردند .  
 حالا اگر محل ثالثی غیر از دفتر عدلیه بنظر نماینده محترم میرسد پیشنهاد کنند کمیسیون هم مخالفتی نخواهد کرد . جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی است .  
 رئیس - پیشنهاد قرائت میشود . (بشرح آتی خوانده شد)  
 پیشنهاد آقای شپروانی - بنده پیشنهاد می کنم در تبصره ماده ۵۵ بعد از کلمه شکایات اضافه شود ،  
 (که در مدت قانونی و اصلاح شده است)  
 پیشنهاد آقایان سلطان العلماء و ضیاء الملک .  
 بنده پیشنهاد می کنم در ماده ۵۵ نوشته شود . باامضاء اکثریت انجمن رسانیده .  
 پیشنهاد آقای دامغانی - بنده پیشنهاد می کنم در ماده ۵۵ (بمهر حکومت) نوشته شود ، بهمراه امضاء انجمن .  
 پیشنهاد آقای حاج سیدالمحققین شپروانی می نماید در ماده ۵۵ بعد از جمله (بمهر حکومت) نوشته شود ، و به امضاء

تمام یا اکثریت انجمن رسانیده الی آخر .  
 پیشنهاد آقای یاسائی - بنده پیشنهاد می کنم صورت مجلس در ماده ۵۵ در چهار نسخه تهیه شده و نسخه چهارم بخود نماینده بضمیمه اعتبار نامه تسلیم گردد . در ذیل تبصره اضافه شود ؛  
 هويت شاکیان را باید حاکم و انجمن نظار تصدیق نمایند .  
 رئیس - ماده پنجاه و شش - (بشرح ذیل قرائت شد)  
 ماده ۵۶ صورت مجلس انتخابات عبارتست از خلاصه جریان انتخابات يك حوزه انتخابیه از بدو تشکیل انجمن نظار الانتخابال آن و محتوی فقرات ذیل است ؛  
 ۱- ترتیب انتخاب و تشکیل انجمن و اسامی هر يك و تعیین هیئت رئیس و تاریخ آن .  
 ۲- تعیین مدت اعلان انتخابات و تاریخ آن و تعیین محل و اوقات دادن تعرفه و اخذ آراء مردم آن .  
 ۳- تعیین عده انجمن های فرعی و محل آنها و مدتی را که برای انجام انتخابات آنها مقرر داشته و تاریخ وصول صورت انتخابات آنها و مدت تأخیر و سبب آن (در صورت تأخیر)  
 ۴- تعیین عده آراء و تعیین اینکه از عده تعرفه هائی که داده شده کمتر یا زیاده تر بوده است و اینکه آراء را بچه ترتیب حفظ کرده اند .  
 ۵- تعیین روز شروع به استخراج آراء و مدت استخراج .  
 ۶- تعیین عده آراء زائده مشکوک و آرائی که سفید یا بفرغ بوده .  
 ۷- تعیین اینکه آیا تساوی آراء بین دو یا چند نفر بوده و بچه ترتیب قرعه بعمل آمده .  
 ۸- ذکر اسامی اشخاصی که اکثریت حاصل کرده اند و عده آراء هر يك با ذکر اسامی همان عده از اشخاصی که متعاقب آن ها دارای اکثریت گردیده اند .  
 ۹- تعیین اینکه آیا از منتخبین اشخاص قبل از گرفتن اعتبارنامه استفاده یا بر طبق ماده (۵۸) دیگری بجای آنها معین شده (در صورت وقوع) .  
 ۱۰- خلاصه هر شکایتی که بانجمن رسیده و قرائی که راجع به آن انجمن داده است اهم از شکایات انجمن مرکزی یا انجمن های فرعی .  
 ۱۱- تعیین مدتی که انجمن برای پذیرفتن شکایات نشده است .  
 ۱۲- تاریخ اعلان انجمن نظار .  
 ۱۳- مهر یا امضاء اکثر امضاء جن نظارت و مهر یا امضاء حاکم یا نماینده آن .  
 رئیس - آقای یاسائی .

(اجازه)  
 یاسائی - عرضی ندارم .  
 رئیس - آقای طهرانی .  
 (اجازه)  
 آفایشیح محمدعلی طهرانی - عرضی ندارم .  
 رئیس - آقای شپروانی .  
 (اجازه)  
 شپروانی - عرضی ندارم .  
 رئیس - آقای دست غیب .  
 (اجازه)  
 دست غیب - عرضی ندارم .  
 رئیس - مخالفی ندارم ؟ (گفتند - خیر)  
 ماده ۵۷ .  
 (بشرح ذیل خوانده شد)  
 ماده ۵۷ نمایندگان گانی که بعزیت مجلس شورای ملی انتخاب می شوند باید بمهر یا امضاء انجمن نظارت و حکومت محل اعتبار نامه در دست داشته تسلیم دفتر مجلس شورای ملی نمایند .  
 اعتبارنامه لااقل باید به امضاء اکثریت هیئت نظار رسیده باشد .  
 رئیس - آقای یاسائی .  
 (اجازه)  
 یاسائی - عرضی ندارم .  
 رئیس - آقای طهرانی .  
 (اجازه)  
 آفایشیح محمدعلی طهرانی - عرضی ندارم .  
 رئیس - آقای شپروانی .  
 (اجازه)  
 شپروانی - عرضی ندارم .  
 رئیس - آقای دست غیب .  
 (اجازه)  
 دست غیب - عرضی ندارم .  
 رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس .  
 (اجازه)  
 محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس - عقیده بنده این است همانطور که در صورت مجلس پیش بینی شده سه نسخه نوشته شده است .  
 اعتبار نامه هم خوب است دو نسخه نوشته شود یکی را بوکیل بدهند یکی را هم توسط وزارت داخله بمجلس بفرستند چون ممکن است در بین راه اعتبارنامه مفقود شود و مدتی آن وکیل معطل میشود چنانکه در دوره سوم آقا شیخ حبیب الله وکیل ترشیز پنجشش ماه معطل شدو هیچ ضرری ندارد که دوسه نسخه نوشته شود یکی را بوکیل بدهند و یکی راهم بوزارت داخله .  
 مخبر - ضرری ندارد پیش نهاد بفرمائید کمیسیون هم گمان نمیکنم مخالف باشد .  
 رئیس - آقای ارباب کیخسرو .  
 (اجازه)  
 ارباب کیخسرو - راست است که در

اینجا هم مثل سایر نظامنامه های سابق نوشته است .  
 وکیل اعتبارنامه باید در دست داشته باشد ولی هنوز موضوع آن معین نیست اعتبارنامه چه اثری دارد .  
 اینجا نوشته شود .  
 اگر اعتبارنامه سندیك وکیل است که واقعا باید این را تشخیص داد که آن کسی که این سند را در دست ندارد میتواند وارد مجلس بشود یا نه ؟ و این موضوع باید این جا مطرح شود و مشخص شود که بعد اسباب حرف نشود و کسی بی اعتبارنامه وارد مجلس نشود .  
 اگر غیر از این است آنهم معین شود که موضوع چیست تا آن مجلس که در آیه از روی این نظامنامه میخواهد عمل کند تکلیفش را کاملاً بداند که دیگر تفسیر بردار نباشد .  
 (بعضی از نمایندگان - صحیح است)  
 یکی هم این جا نوشته ؛ لااقل اعتبارنامه باید باامضاء اکثریت هیئت نظار رسیده باشد .  
 این لااقل را بنده ندانستم یعنی چه یعنی اگر حکومت امضاء نکرده باشد همان امضاء هیئت نظار کافی است در اینخصوص هم خواستم توضیحی بدهند .  
 مخبر - تصور میکنم آن جمله اول را که نماینده محترم اظهار کردند در خود ماده صراحت دارد باید نماینده اعتبارنامه داشته باشد يك آدمی که اعتبارنامه ندارد او را بعنوان وکالت در مجلس نمیتوان پذیرفت .  
 ارباب کیخسرو - تا بحال نبوده است .  
 مخبر - مادام که قسمتی از دوره های پیش سابقه پیدا کرده بود که بعضی از نظار از امضاء استنکاف میکردند این را خواستند تصریح کنند که اگر تمام نظار امضاء نکردند ولی اکثریت نظار اعتبارنامه را امضاء کردند رسمی است حکومت هم اگر امضاء نکنند وقتی که نظار تصدیق کردند اهمیت ندارد .  
 جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .  
 رئیس - پیشنهاد هافرائت میشود (بشرح آتی خوانده شد)  
 پیشنهاد آقای یاسائی - بنده ماده ۵۷ را باین نحو اصلاح مینمایم .  
 حاکم و انجمن نظارت مکلف هستند بمهر یا امضاء خود اعتبارنامه نمایند گانی را که بعزیت مجلس شورای ملی انتخاب شده اند بعد از انقضای مدتی که در ماده ۵۳ قید شده با رعایت ماده ۵۴ تهیه کرده بنمایند گان تسلیم نمایند که بوسیله خود او بدفتر مجلس شورای ملی داده شود .  
 اعتبارنامه را لااقل باید پنج نفر از

اعضاء انجمن نظارت مرکزی امضاء کرده باشند و در آن شهادت بصحت جریان انتخابات را قید کنند .  
 تبصره - اعتبارنامه بنوعیه است که وزارت داخله تهیه میکند و تصدیقات شفاهی و کتبی نظار منفرداً و مجتمعا در حکم اعتبارنامه نیست .  
 پیشنهاد آقای محمد هاشم میرزا - پیشنهاد میکنم که اعتبارنامه دو نسخه نوشته شود یکی بخود نماینده می دهد و یکی دیگر را بتوسط وزارت داخله بمجلس ارسال کنند .  
 پیشنهاد آقای محمد هاشم میرزا - پیشنهاد میکنم در ماده ۵۷ نوشته شود بمهر و امضاء انجمن نظارت .  
 پیشنهاد آقای سر کشیک زاده - بنده پیشنهاد میکنم ماده ۵۷ بترتیب ذیل اصلاح شود ؛  
 نمایندگان که بعزیت مجلس شورای ملی انتخاب میشوند باید بمهر و امضای انجمن نظارت و حکومت محل الخ .  
 پیشنهاد آقای حاج سیدالمحققین - پیشنهاد می نمایم ماده ۵۷ بترتیب ذیل اصلاح شود ؛  
 ماده ۵۷ - نمایندگان گانی که بعزیت مجلس شورای ملی انتخاب میشوند باید بمهر یا امضاء تمام یا اکثریت انجمن نظارت و حکومت محل اعتبارنامه در دست داشته تسلیم دفتر مجلس شورای ملی نمایند و الاحق ورود بمجلس شورای ملی نخواهد داشت .  
 پیشنهاد آقای کازرونی - بنده پیشنهاد میکنم که اعتبارنامه بمهر و امضای عموم اعضای انجمن نظار و حکومت یا نماینده اش باشد و نماینده در صورتی میتواند وارد مجلس شود که قبلاً اعتبارنامه خود را تقدیم دفتر مجلس مقدس کرده باشد .  
 رئیس - ماده پنجاه و هشت قرائت می شود .  
 (بشرح ذیل قرائت شد)  
 ماده ۵۸ - هر گاه نماینده پس از قبول نمایندگی استعفا کند یا تا دو ماه بعد از دریافت اعتبارنامه بدون عذر موجه در مرکز حاضر نشود یا بعد از ورود بمجلس دو ماه بدون اجازه غیبت نماید یا بعد از اتمام مدت اجازه دو ماه بلاعذر غیبت خود را بجای اجازه امتداد دهد کسی که بعد از او حائز اکثریت است بجای او معین خواهد شد .  
 رئیس - آقای یاسائی .  
 (اجازه)  
 یاسائی - بنده این ماده را خیلی مفید میدانم ولی دارای يك نواقصی است که بفرض آقایان می رسانم در اینجا نوشته شده است .  
 هر گاه نماینده پس از قبول نمایندگی استعفا کند یا تا دو ماه بعد از دریافت اعتبارنامه بدون عذر موجه در مرکز حاضر نشود تا آخر

یکی از چیزهایی که در اینجا باشد مسئله قوت است و باید نوشته شود .  
 اگر استعفا کند یا قوت نمایند که با او هر کس حائز اکثریت است بجای او انتخاب می شود .  
 یکی هم در موقمی است که اعتبارنامه وکیل در مجلس رد شود .  
 عقیده من برای اینکه انتخابات طول نکشد تجدید انتخاب لازم نیست و آن کسی که بعد از او حائز اکثریت است باید جای او معین شود .  
 یکی دیگر از چیزهایی که باید در این ماده قید شود اینست که اگر وکیل در مرکز حاضر شد ولی در مجلس حاضر نشد تا مدت معینی اگر در مجلس حاضر نشده مستعفی محسوب است و بجای او باید کسی که بعد از او حائز اکثریت است معین شود .  
 دیگری اینکه مدت هائی که در آنجا قید شده بعقیده بنده زیاد است و بجای دو ماه یکماه کافی است منتهی برای اشخاصی که در خارج هستند این مدت کم است و باید نسبت به آنها بتفکیک قائل شوند .  
 برای داخله بنده یکماه را کافی میدانم ولی برای خارج ممکنست مطابق معمولی که در بعضی قوانین هست رفتار کنند مثلاً برای متوقفین در مالک در دست مثل شرف اقصی و امریکا از برای آنها چهار ماه و برای بعضی جاها سه ماه معین کنند که در آن مدت اگر حاضر نشوند آنوقت مستعفی محسوب شوند و بهمین ترتیب بنده پیشنهاد می تقدیم کرده ام .  
 رئیس - آقای اخگر .  
 (اجازه)  
 اخگر - بنده چون احساس می کنم که غیر از آقای یاسائی چند نفر از نمایندگان محترم دیگر هم با این ماده مخالفند اینست که لازم می دانم فواید و محسنات این ماده را مفصلاً توضیح داده باشم شاید رفع مخالفت آقایان بشود .  
 اساساً و اصولاً بایستی نظر نمایندگان مجلس همیشه متوجه باشد باینکه دوره های فترت کوتاه باشد و مجلس دائماً تشکیل شده باشد و بایستی همیشه احتراز کرد از اینکه موجبات نبودن اکثریت که بالطبع باعث انحلال قهری مجلس میشود فراهم شود .  
 به علاوه باید حقوق مردمی هم که يك وکیل را انتخاب می کنند ملاحظه کرد و از وسائلی که بموجب آنها ممکن است نمایندگی يك مجلس را احتکار کرد جلوگیری نمود از دوره اول تا بحال بواسطه بعضی مواعینی که در قانون انتخابات موجود بوده است مجلس ها موفق نشده اند که دارای يك جمعیت نزدیک با اکثریت نام باشند و اغلب قوانینی که در دوره های سابق گذشته است باسی و هفت یا سی و هشت رای تصویب شده است

در صورتی که بعد از کلاسی مجلس شورای ملی و آفاق قانون بایستی صدوسی و شش نفر باشد باینکه در حال حاضر شده است که این پیش آمدها پیش آمده است . این ترتیبات برای این شده است که بکنفرانس يك مجلسی انتخاب شده است و آمده است اینجا یکماه مرخصی گرفته است و رفته است بولایتش و دیگر نیامده است و قانون هم اجازه نمیداده که بجای او دیگری انتخاب شود بهمین واسطه مجلس هم موفق نم شدند که دارای یکده کاملی باشند و این مطلب هم محقق است .  
 که هر قدر عده و کلا در مجلس بیشتر حاضر باشند بیشتر راجع بقوانین تبادل افکار می شود و البته قانونی که با فکر عده بیشتری تهیه شده باشد بهتر است از يك قانونی که با فکر معدودی تهیه شده باشد .  
 در اینجا گفته می شود که هر گاه نماینده ای پس از قبول نمایندگی استعفا کند یعنی يك نماینده ای اول که انتخاب شد و قبول نمایندگی را کرد و بعد صلاح ندید نماینده باشد و خواست استعفا بدهد البته مجلس باید يك تصمیمی بگیرد که بعد از این وکیل که نماینده قبول را قبول کرده و بعد استعفا کرده چه باید کرد .  
 آیا بایستی جای او را خالی گذاشت آیا آن معلی که این وکیل را انتخاب کرده بود بجزم اینکه این وکیل بدو قبول نمایندگی کرده و بعد استعفا داده است بایستی تا آخر دوره از انتخاب وکیل محروم بماند ؟  
 این ترتیب که البته صلاح نیست و بایستی يك فکری کرد .  
 یا اینکه يك وکیل اعتبارنامه اش را گرفت و بعد از دو ماه بدون اینکه عذر موجهی داشته باشد در مجلس حاضر نشد (البته اگر عذر موجهی داشته باشد بآن عذر نسبت باونه بشود .  
 ولی اگر اعتبارنامه اش را گرفت و قبول وکالت را هم کرده ولی میل نکرد که در مجلس حاضر شود آنوقت بواسطه اینکه يك کسی میل نکرده است در مجلس حاضر شود نمی شود يك معنی بدون وکیل بماند و این ترتیب صحیح نیست و اگر این قبیل چیزها را جلو گیری نکنیم بالطبع می بینیم مجلس اکثریت پیدا نمی کند و منحل می شود .  
 مثلاً یکی می آید اجازه میگیرد می رود و دیگر نماینده آن وقت می بینیم بجای صدوسی و شش نفر وکیل پنجاه نفر حاضر هستند و مجلس تشکیل نمیشود .  
 یا اینکه مثلا يك وکیل دو سه ماه برای انجام کاری غیبت کرد و بعد غیبت او اضافه بر آنچه اجازه گرفته است طول کشید . البته اگر اتفاق فوق فوق العاده برای او رخ داده باشد ممکن است دوباره کسب اجازه کند

ولی اگر کسب اجازه هم نکرد در اینصورت نمی بایستی مقام يك نماینده را همین طور خالی گذاشت و منتظر شد که آیا تا آخر دوره خواهد آمد یا نه از تمام این ترتیبات باید جلو گیری شود .  
 حالاً ممکنست گفتگو در این باشد که اگر چنین ترتیبی اتفاق بیفته آن نماینده طبعاً از مقام نمایندگیش مستعفی است ولی دوباره بجای او کسی حائز اکثریت هست نباید انتخاب شود و باید تجدید انتخاب شود .  
 یا اینکه گفتگو در این باشد که خیر این معایب اگر پیدا شد باز آن وکیل نباید از مقام نمایندگی استعفا کند .  
 در این قسمت بنده مفصلاً توضیح عرض کردم ولی اگر اعتراض بفرمائید که اگر يك وکیل باین جهات از نمایندگی مستعفی شد باید تجدید انتخاب شود .  
 البته تصدیق میفرمائید که تجدید انتخابات هم مستلزم مخارج فوق العاده برای مملکت خواهد بود و هم مدتی وقت لازم دارد و خود این مدت باعث این میشود که مدتی نمایندگان کاملاً در مجلس حاضر نباشند به علاوه اگر بخواهید بفرمائید يك انتخابی غلط بوده است انتخاب بعدی هم غلط خواهد بود و اینست که مربوط باینست که غلط نیست بلکه مربوط باینست که انتخاب صحیح بوده و يك وکیل قبول نمایندگی کرده است ولی در مجلس حاضر نشده است .  
 با بیکی از این جهات و دلایل از نمایندگی مستعفی شده .  
 در اینصورت شخصی که بعد از او حائز اکثریت است می تواند قبول نمایندگی کند و باین ترتیب وقت زیاد تلف نمی شود و مخارج فوق العاده ای هم بمملکت تحمیل نخواهد شد .  
 جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .  
 (بعضی گفتند کافی نیست)  
 رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانی که موافقت قیام فرمائید .  
 (اکثر قیام نمودند)  
 رئیس - معلوم می شود کافی است .  
 پیشنهاد آقای یاسائی - بنده اصلاح ماده پنجاه و هشت را بنحو ذیل پیشنهاد می کنم ؛  
 هر گاه نماینده پس از قبول نمایندگی استعفا یافوت کند یا نمایندگی او در مجلس شورای ملی تصویب نشود یا بیکاه (در داخله) دو ماه در خارج باشد از دریافت اعتبارنامه بدون عذر موجه در مرکز حاضر نشود یا بعد از حضور در مرکز تا یک هفته اعتبار نامه خود را بدفتر مجلس تسلیم ننماید یا با تسلیم اعتبارنامه در ظرف یک هفته

در مجلس رسماً حاضر نگردد یا بعد از ورود مجلس بکلاه بدون اجازه غیبت کند یا بعد از انقضای اجازت بکلاه بلاعذر غیبت خودی اجازه داده شود کسی که بعد از اجازت اکثریت است مطابق ماده ۵۴ این قانون بجای اوبست نمایندگی معین خواهد شد.

پیش نهاد آقای امیر احتشام - در ماده ۵۸ بنده پیش نهاد می کنم در سطر چهارم بعد از عبارت دوم بلاعذر غیبت خود را بی اجازه امتداد دهد علاوه شود هر گاه در قسمت سال اول باشد کسی که بعد از او حائز اکثریت است بجای اومعین و در غیر آن منوط بتجدید انتخاب است.

پیش نهاد آقای دامغانی - بنده پیش نهاد می کنم مناط را در استمفا سه ماه قرار بدهند.

پیش نهاد آقای سردار عشایر - بنده پیش نهاد می کنم ماده ۵۸ این قسم اصلاح شود:

عوض بعد از دریافت اعتبار نامه نوشته شود که بعد از تصویب اعتبار نامه الخ - پیش نهاد آقای شیروانی - بنده پیش نهاد می کنم مواد ۵۷ و پنجاه و هشت و پنجاه و نه از قانون انتخابات حذف و در نظامنامه داخلی بلیش بینی شود

رئیس - ماده پنجاه و نه قرائت میشود.

(بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده ۵۹ - مادام که نماینده در مجلس حاضر نشده مجلس اعتبارنامه و صورت مجلس انتخابات اوردی کسی نمی نماید.

رئیس - آقای یاسائی - (اجازه)

یاسائی - این ماده برخلاف مقصود آقایان است زیرا غالب آقایان در نظر دارند که انتخابات بسرعت بعمل آید که در مجلس هم در آن خصوص تسریع شود ولی این ماده برعکس است و می گوید هر وقت نماینده خودش در مجلس حاضر شد اعتبارنامه اوردی کسی میشود و البته کمیسیون در نظر داشته است که نماینده در مجلس حاضر باشد و در موقع خودش دفاع کند.

ولی این را هم باید فرض کرد که غالب اشخاص بواسطه نگرانی که ممکن است اعتبارنامه شان رد بشود از محل خودشان یا نمی شوند باینکه به طهران و سه چهارم معطل شوند تازه اعتبارنامه شان رد شود

آنوقت برگردند بروند در ولایتشان مثلا یک کسی از کرمان وکیل شده است و باین تصور که ممکن است اعتبارنامه اش رد شود بطهران نیاید و بطور کلی گفتند که هر وقت خودش حاضر شد اعتبارنامه او رسیدگی میشود

پنتر تیب بعقد بنده صحیح نیست

و بهتر اینست قید شود مادام که نماینده در مجلس حاضر نشده مجلس اعتبارنامه او رسیدگی نمیکند مگر اینکه خود اوقاتا نماید که اعتبارنامه اش در غیبت او مطرح شود یا برعکس تقاضا کنند که بدون حضور من اعتبارنامه ام مطرح نشود

علی ای حال یکجای مهری هم باید برای آن نماینده باقی گذاشت که اگر مجلس خواست اعتبار اوردی کسی کند و خود او شخصاً بیاید و راجع بمخالفت هائی که میشود جواب بدهد حق داشته باشد یا برعکس این ترتیب.

مخبر - اگر نماینده محترم طرف مخالف را هم فرض میکردند کاملاً تصدیق می نمودند که ما اگر این ماده را نویسیم ممکنست است مجلس اصلاً تشکیل نشود برای اینکه ممکنست تمام اشخاصی که انتخاب میشوند دارای یک پست هائی باشند و تمام بانظار این که وقتی مجلس تشکیل شد اعتبارنامه آنها را تصویب می کند آنوقت از دست خودشان صرف نظر کنند و بمجلس تشریف بیاورند و باین امید از دست خودشان صرف نظر نمیکنند و مجلس هم بهمین حال خواهد ماند دوری میشود و هیچوقت مجلس تشکیل نمی شود و انتخابات هم تا موقتی که مجلس تشکیل نشود و دو سال دوره اش تمام نشود که تجدید نمی شود و آنوقت ممکنست دو سال دوره بلا تکلیفی دوام پیدا کند آنوقت نه انتخابات را می شود تجدید کرد و آقایان هم حاضر نمی شوند که اعتبارنامه آنها رسیدگی شود و پست خود را دارند و نمایندگان را هم دارند

از این جهت برای پیش بینی از این معذور این ماده نوشته شده است.

رئیس آقای تهرانی (اجازه)

آقای شیخ محمد علی طهرانی - بعقد بنده این ماده مربوط به قانون انتخابات نیست

برای اینکه قانون انتخابات وظیفه وکیل و مول و وظیفه انجمن را معین می کند این ماده یکی از مواد راجع به نظامنامه داخلی مجلس است که مجلس چه وقت می تواند به اعتبارنامه رسیدگی کند یا رد قبول کند.

خاصه باینکه یک کمیسیون مخصوص در باب قبول یارد اعتبارنامه و کیفیت رد قبول آنها و روی داد نظر باین دارد بنابراین ما محتاج نیستیم که این ماده را در قانون انتخابات ذکر کنیم

از این جهت بنده معتقدم که باید این ماده حذف شود

بعضی از نمایندگان - مذاکرات

کافی است.

رئیس - پیش نهادها فراتر میشود. (بمضمون ذیل قرائت شد)

پیش نهاد آقای حاج سیدالحقین - نماینده چه در مجلس حاضر باشد یا نباشد اعتبارنامه و صورت مجلس انتخابات او رسیدگی میشود.

پیش نهاد آقای قائم مقام - بنده پیش نهاد می کنم ماده ۵۹ بکلی حذف شود.

پیش نهاد آقای ساکینیان - بنده پیش نهاد می کنم ماده ۵۹ حذف شود.

پیش نهاد آقای سرکشیزاده و دامغانی - بنده پیش نهاد می کنم اساساً ماده ۵۹ حذف شود.

زیرا پس از تصویب ماده ۵۸ احتیاجی باین ماده نیست و با بودن ادله در صورت مجلس شاید قضاوت مجلس در غیبت بعضی آزادتر باشد.

ایضاً پیش نهاد آقای دامغانی و سرکشیزاده - بنده پیش نهاد می کنم بجای ماده ۵۹ نوشته شود:

ماده که اعتبارنامه بمجلس نرسد رسیدگی نمیکند.

رئیس - ماده شصت قرائت میشود. (اینطور خوانده شد)

ماده (۷۰) نمایندگان که اعتبارنامه دریافت داشته اند تمام امتیازات نمایندگی را دارا بوده پس از ورود بمجلس شورای ملی تا زمانی که اعتبارنامه آنها نگذشته نصف حقوق نمایندگی را دریافت خواهند داشت.

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - بنده با هر دو این ماده مخالفم.

اولاً اعتبارنامه در مجلس تصویب نشده است

بنده نمیدانم چگونه میشود آن شخص را نماینده رسمی ملت دانست

ثانیاً تا وقتی که کسی داخل کار نشده است اجرت کار دادن چیز غریبی است بلکه باید بیاید نمایندگیش معین شود بعد اجرت کار بگیرد.

حالا این ماده برای چه اینجا نوشته شده است بنده حکمت آنرا نمیدانم خوبست آقای مخبر کمیسیون توضیح بدهند که بنده هم مستحضر شوم و بنده هیچ حکمت آنرا نفهمیده ام و یک پیش نهادی هم برای حذف آن کرده ام.

رئیس - آقای اشکر (اجازه)

اشکر - گمان می کنم آقای ارباب متوجه این شده اند که فقط یک نماینده در تهران هست و مستخدم یک اداره هم هست

وقتی که انتخاب شد و مجلس اعتبارنامه اش را تصویب کرد پس آید بمجلس و برایش هیچ زحمتی نیست.

یک کسی که در فراس یا کرمان یا بزرگ وکیل شده است بایستی حرکت کند بیاید اینجا و بموجب این قانون وقتی هم قبول نمایندگی کرد باید از شغلی که موطن است استعفا بدهد.

بهمان منطقی که با خرج سفر میدهد بهمان منطقی بایستی با و نان بدهد بخورد تا تکلیفش معین شود.

اگر تصویب شد مقرریش را بگیرد و اگر هم نمایندگی اش در مجلس تصویب نشد که می رود و مکرر دیده شده است که یک نماینده ای آمده است اینجا و یکسال ششماه بلا تکلیف مانده است تا اینکه مجلس تشکیل شده و اعتبارنامه اش تصویب شده است

آنوقت دریافت باید هر چه دارد بفروشد و در اینجا خرج کند تا بعد ببیند که نماینده مجلس خواهد بود یا نه.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیش نهاد آقای ارباب کیخسرو قرائت میشود.

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیش نهاد می کنم ماده شصت حذف شود.

رئیس - ماده شصت و یک. (باین مضمون خوانده شد)

ماده ۶۱ - مخارج مسافرت نمایندگان را از محل انتخاب الی طهران ذهاباً و اواباً از قرار فرسخی بیکتومان دولت ادامی کند مخارج لازمه متعلقه بانخابات را با اطلاع حکومت و انجمن نظارت دولت میبردازد

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - مخالفت بنده با این ماده از دو نظر است: یکی اینکه نوشته شده مخارج مسافرت نمایندگان را از محل انتخاب الی طهران ذهاباً و اواباً می بردازند در صورتی که ممکن است اشخاصی در نقاط دیگر مملکت غیر از حوزه انسابیه شان مقیم باشند و یک مرتبه بآنها اطلاع بدهند که شما برای نمایندگی مجلس انتخاب شده اید آنوقت باید از آنها حرکت کند بیاید طهران ولی خرج سفر از محل انتخاب تا تهران بگیرد این چیز غریبی است

مثلاً بکنفر مقیم تبریز است و از قم با رفسنجان وکیل شده است آن وقت باید خرج سفر از قم تا تهران را بگیرد این چیز غریبی است !!

و بعقد بنده باید خرج سفر نمایندگی را از محل توقفش پرداخت ولو آن شخص در امریکا باشد وقتی اطلاع دادند با او که شما نماینده شده اید باید خرج سفر از

زمان محل اقامتش بدهند.

دیگر اینکه در اینجا نوشته شده است اواباً ذهاباً از قرار فرسخی بیکتومان بنده بیکتومان راهم کم می دانم برای اینکه ممکن است مقایسه بفرمایند با مامورینی که دولت بآنها خرج سفر میدهد.

البته با این مخارج حمل و نقل و باج های گرانگه ملاحظه می فرمائید نمی شود گفت یک فرسخی یک تومان خرج سفر داده شود.

دیگر اینکه ابابا و ذهاباً این قید هم لازم نیست زیرا خرج مسافرتش را وقتی که بتهران بیاید میدهد وقتی هم که می خواهد بمجلس مراجعت کند خرج سفرش را داده اند پس بعقد بنده این قید لزومی ندارد.

یک نفر از نمایندگان - باید بدهند یاسائی - خوب شما پیش نهاد کنید بدهند.

دیگر از نظریات مخالف بنده این است که نوشته شده است مخارج لازمه انتخابات را با اطلاع حکومت و انجمن نظارت دولت می بردازد بنظر بنده این عبارت خیلی کش دار است و غالباً ما دیده ایم در ولایت برای پرداخت مخارج انتخابات امانتاً به یک اشکال تراشی هائی میکنند و حکومت ما هم یک تملک هائی میکند و در اینکه کمی مباشرت بکنند و اسناد خرج با یکی باشد و بالاخره یک اشکالاتی تولید می شود بین حکومت و انجمن و آنچه هم درست می کنند و صورت هائی بدولت میدهند که اینقدر خرج شده و بنده معتقدم باید قید شود که مخارج باید بتصدیق انجمن نظار باشد یعنی هر قدر انجمن نظار تصدیق کرد میبایستی بدهند و بکنفر هم از طرف انجمن نظارت برای مباشرت در خرج تعیین می شود.

و اسناد خرج هم به امضاء انجمن اتفاق می افتد هر اردو یا نصد تومان مخارج انتخابات اعتبار داده میشود در صورتیکه بالاخره معلوم می شود یا نصد تومان هم خرج نشده ولی هزار و نصد تومان را میگیرند و تقسیم می کنند.

در اینجا باید از این مسئله هم جلو گیری شود زیرا این هم در حکم مالیه دولت است.

و نباید حیف و میل شود.

مخبر - اعتراضات نماینده محترم راجع بمخارج مسافرت از محل انتخاب بود در کمیسیون در اطراف این موضوع خیلی مذاکره شد ولی بالاخره گفته شد که ممکن است نماینده از طهران انتخاب شود ولی در امریکا باشد و خرج سفر را اگر بفرمایم فرسخ شمار بدهیم یک اشکالاتی

توایم میشود.

ملاحظه لایحه نماینده که در مذاکرات خارجه است و انتخاب می شود کسی است خیلی طرف توجه مردم است که او را انتخاب می کنند

بدیهی است یک همجو آدمی در آن نقاط مامور دولت است و دولت مخارج سفری که بمامور خودش میدهد بلا بدیهه آن شخص هم خواهد داد دیگر احتیاجی ندارد باین حان در این زمینه پیشنهادی بنظر آقای می رسد در صورتی که تولید زحمتی نکند کمیسیون را باو امتناع ندارد از اینکه قبول کند ولی راجع بفرسخی بیکتومان عرض می کنم که در سابق پنج هزار منظور شده بود در کمیسیون تناسب امروز را با سابق مقایسه کردیم و حساب کردیم و بالاخره بیش از یکتومان نتوانستیم قبول کنیم حالا اگر آقایان زدیگری را در نظر گرفته اند پیش نهاد می فرمایم البته کمیسیون هم مطالعه میکند و در شور ثانی نظریه کمیسیون معلوم می شود

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - کافی است (جمعی گفتند کافی است)

رئیس - ماده ۶۲ قرائت می شود (بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۶۲ - عده نمایندگان ملت برای مجلس شورای ملی در تمام مملکت یکصد و سی و شش نفر است

مخبر - این ماده در موقعی که در کمیسیون نوشته شد هنوز اطلاعاتی از کمیسیون نرسیده بود و در آن موقع نظر کمیسیون به زیاد کردن عده کلان بود بعد وزارت داخله یک اطلاعاتی از ولایات تحصیل کرد و اعضاء کمیسیون تصدیق کردند که باین ترتیب نمی توان بصدوسی و شش نفر قناعت کرد چون این نقاط در وقتی که جدول رسم می شده حقوق آنها کاملادر مجلس شورای ملی منظور نشد

از این جهت نسبت بصدوسی شش نفری که نوشته شده است نظر کمیسیون تغییر کرده و عده صحیح را هتوز بنده نمیدانم که بعرض آقایان برسانم

تا وقتیکه دروزارت داخله ترتیب آن را معلوم کنند و بکمیسیون صورت بدهند آنوقت در شور ثانی نظریه کمیسیون معلوم می شود.

رئیس - ماده را پس میگیرید

مخبر - بلی.

رئیس - چه طور پس میگیرید؟ یعنی این ماده حذف شود؟

مخبر - خیر در کمیسیون تجدید نظر درش می شود.

رئیس - ماده را وقتی پس میگیرند معنایش این است که می خواهند حذف

بنده از طرف کمیسیون استریدان کردم بلکه عرض کردم در عده آن باید تجدید نظری شود و بعد در شور ثانی بعرض مجلس برسد.

رئیس - پس هذا کره می شود

مخبر - بلی مذاکره شود

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - یکی از مواضع قابل توجه این قانون که غالب نمایندگان محترم باین ملاحظه هستند

ماده ۶۲ و ۶۳ است و متاسفانه ماده ۶۲ که کاملاً مربوط باین ماده است طوری تنظیم شده که موجب بدگمانی هائی شده است

با قهوا سنه اند اساساً او را در جدول شونند و تجدید نظری در تقسیمات و حوزه بندی ها بشود

در این صورت ممکن بود همان ترتیب سابق را ابقاء می کردند و در این راپورت هم قید میکردند و خیلی راحت تر بود ولی حالا که بناست تجدید نظری بشود و در این جا هم قید کرده اند خوب بود یک عده تغییری را معین میکردند و یک نظری هم راجع بتقسیمات و حوزه بندی ها پیش نهاد می کردند.

این جا دو نظر است

یکمده از آقایان نظر دارند باین که این عده هم که الان در مجلس شورایی هستند زیاد هستند و هر چه کمتر باشند بهتر است.

بقول هم ولایتی بنده آقای آقا سید کاظم این عقیده یک عده متولی های مجلس است که هر چه عده کمتر باشد بهتر میشود و اداره کرد وقتی که عده زیاد شد نمی شود اداره کرد

ولی بنده باین فکر کاملاً مخالفم و عقیده ام این است که عده نمایندگان مجلس شورای ملی زیادتر از این شد و اصل چهارم قانون اساسی نوشته شده است که عده نمایندگان مجلس شورای ۱۶۲ نفر است و ولدی الاقتضا تا دوست نفر میتوانند باشند در اینجا اظهار شد که یک موقعی مجلس یا دولت مراجعه کرده است به انجمنهای ایالتی و ولایتی و آنها اختیاری داده اند بانجمن ایالتی آذربایجان و این اصل را تجدید نظر کرده اند و القاه کرده اند.

بنده حالی نشدم و سوابقی هم رسماً درجائی ندیدم و نتوانستم یک سابقه ای پیدا کنم.

سوابقی که در هیچ جا موجود نیست در سمیتی ندارد نمیشود بآنها توجه داشت و نباید گفت اصل چهارم قانون اساسی سر جای خودش باقی است.

این عقیده بنده است و اگر آقایان نظر دارند باینکه اصل چهارم قانون اساسی تغییر پیدا کرده است و تغییر دهند کان صلاحیتی داشته اند و در واقع یک فریاد مردم قانونی بعمل آمده است

پس باید ماده دیگر قانون اساسی را هم اصلاح کنیم یعنی مدت را تغییر بدهیم و دو سال را چهار سال یا پنج سال بکنیم

بهر حال بنظر بنده و کلای مجلس شورای ملی باید عده شان متناسب باشد با جمعیت ایران

آن راپورتی را که کمیسیون مخصوص کنفرانس بین المللی جمع و توزیع کرده بود و عده جمعیت های ممالک مختلفه را که دارای حکومت شوروی هستند معین کرده و عده نمایندگان مجلس شورای ملی هر مملکتی را معین کرده بودند

البته آقایان مراجعه فرموده اند که با آن تناسبها که در آنجا منظور است آنوقت این عده صدوشش نفری هیچ متناسب با جمعیت ایران نیست

بنده به عقیده خودم یک پیشنهادی تهیه کرده ام و لازم می دانم در اینجا قرائت کنم

زیرا آقایان اعضاء کمیسیون که خواسته اند تجدید نظری بکنند اطلاعاتی از وزارت داخله خواسته اند

و از قراری که بنده اطلاع پیدا کرده ام وزارت داخله هم نمیخواهد به ملاحظاتی داخل این قضیه شود و بالاخره پس از آنکه تمام این قانون را گذرانید و شور دومش هم تمام شد

این قضیه همینطور لاینحل میماند بنابراین باید از حالا در اطرافش مذاکره کرد و این پیشنهادی را که تهیه کرده ام اگر اطلاعات جغرافیائی بنده ناقص بوده است

ممکن است آقایان نظر بایشان را بعد بفرمایند و کمیسیون هم نظریات وزارت داخله را جلب کند بعد در راپورت دوم برای شور ثانی یک جدول منظم شده بیاید بمجلس و تکلیفش معلوم شود

بنده بشرقیب حروف تهجی یک جدولی تهیه کرده ام که بعرض آقایان برسانم

رئیس - آقا این مسئله راجع باین ماده نیست

یاسائی - راجع بهمین ماده است چون عده نمایندگان در این ماده معین شده

بنده نقراتش را میخوانم معین کنم که چطور باید معین شود زیرا بنظر من باید عده صدوشش و چهار نفر باشد

رئیس - ترتیب جدول راجع به ماده شصت و سه است

یاسائی - خوب تکرار میشود اول - آباء اقلید و اوانات مر کر (آباءه) یک نفر

دوم - آرامنه مرکزی (طهران) يك نفر  
 سوم - آرامنه آذربایجان مرکزی (تبریز) يك نفر  
 چهارم - اردبیل - آستارا - مشکین - خلخال - نمین - اجارود مرکزی (اردبیل) سه نفر  
 پنجم - اردگان - بلاوک - مینا - مقداد - نودوشن - رباطات - مرکزی (اردگان) يك نفر  
 ششم - اردستان - زواره - قهیا به - نائین - انارک - مرکزی (نائین) يك نفر  
 هفتم - ارومیه - سلماس - اشویه - مرکزی (ارومیه) دو نفر  
**یک نفر از نمایندگان** - آقا بدمید طبع کنند  
**یاسائی** - خیلی خوب تقدیم میکنم طبع شود  
 خلاصه اینکه عده شان مطابق این پیش نهادی که بنده تهیه کرده ام و طبع و توزیع می شود باید صد و شصت و چهار نفر باشد  
 ممکن است آقایان ملاحظه بفرمایند اگر هم نظریاتی دارند پیش نهادی کنند جرح و تعدیل شود  
 بعقیده بنده خیلی نامتناسب است که تبریز و اطراف تبریز که شاید دارای يك كروار جمعیت است نه و کیل داشته باشد  
 ولی اصفهان که دارای هشتصد هزار یا نهصد هزار جمعیت است پنج و کیل بدهد یا کرمان دارای دو نفر و کیل باشد  
 شهر رشت هم دارای دو کیل این خیلی بی تناسب است  
 بعقیده بنده باید آقایان تجدید نظر بکنند و البته هر کس هم نظریاتی دارد بگوید و بالاخره هر چه اکثریت تصویب کرد همانست  
 در بعضی جاها واقعا خیلی کم منظور شده  
 مثلاً ران دو نفر و کیل حکم است همچنین فزین دو نفر و کیل کم است  
 بعضی نقاط دیگر و کیل مستقل می خواهد و بالاخره بنده نظریاتم همین بود که عرض کردم  
 حالا دیگر بسته است به نظریات آقایان  
**جمعی از نمایندگان** - مذاکرات کافی است  
 رئیس - بقیه مذاکرات از ماده ۶۴ میماند برای پنجشنبه آتی  
**جمعی از نمایندگان** - صحیح است  
 رئیس - چند فقره از کمیسیون مرخصی رسیده است قرائت میشود  
 (شرح ذیل قرائت شد)

آقای ضیاءالاطباء نماینده محترم بعضی ادای فریضه ای که بواسطه نذر بر ذمت خود دارند مجبور به حرکت باعتبار مقدسه بوده تقاضای سه ماه مرخصی از تاریخ حرکت کرده اند کمیسیون عذر ایشانرا موجه دانسته تصویب می نماید  
 آقای ضیاءالاطباء را تصویب می کنند قیام فرمایند  
 (اکثر قیام نمودند)  
 رئیس - تصویب شد  
 (رایت دیگر راجع به مرخصی آقای دست غیب به مضمون ذیل قرائت شد)  
 آقای دست غیب نماینده محترم به جهت اصلاح امور شخصی خود را مجبور به حرکت بطرف شیراز دانسته چهار ماه مرخصی تقاضا کرده اند کمیسیون تصویب می نماید که از روز حرکت تا مدت سه ماه غایب با اجازه باشند  
 رئیس - آقای شیروانی (اجازه)  
 شیروانی - بنده چهار ماه را زیاد میدانم  
**یک نفر از نمایندگان** - سه ماهه است  
 شیروانی - در سه ماه مرضی ندارم  
 رئیس - آقای شوشتری  
**آقای سید محمد علی شوشتری** - بنده دو ماه بیشتر عقیده ندارم  
 رئیس - آقای سرکشیک زاده (اجازه)  
**سرکشیک زاده** - البته بعضی از آقایان محترم مسبوق هستند که آقای دست غیب يك وارده ایشان وارد شد و اخوی ایشان در يك ماه قبل فوت شد و امورات ایشان مختل ماند  
 بملاوه ایشان يك گرفتاریهایی داشتند که بواسطه مرور زمان نتوانستند به آن گرفتاریها رسیدگی میکنند در چند وقت قبل از مجلس پنج ماه اجازه مرخصی خواسته بودند و بکمیسیون عرایض رفت و کمیسیون عرایض بواسطه زیادتی مدت تصویب نکرد  
 باینجهت باز تجدید اجازه نمودند و چهار ماه اجازه خواستند  
 بنده تصور می کنم با این که ما تمام اجازه ها را تصویب کرده ایم خوب است اجازه مرخصی ایشان را هم قبول کنیم  
 رئیس - آقایانی که با مرخصی سه ماهه آقای دست غیب موافقت قیام فرمایند  
 (عده کثیری قیام نمودند)  
 رئیس - تصویب شد  
 (رایت دیگر راجع به مرخصی سه ماهه آقای صولت السلطنه به شرح ذیل قرائت شد)  
 آقای صولت السلطنه نماینده محترم نظر بانقافات و حوادثی که در محاسن پیش آمده که حضورشانرا در آنجا ایجاب می

کرد اجازه مرخصی سه ماه از تاریخ بیستم دلو خواسته اند  
 کمیسیون عذر ایشانرا موجه دانسته لکن مقتضی ندید که بیش از دو ماه غایب باشند لذا تصویب می نماید که از تاریخ بیستم دلو تا مدت دو ماه غایب با اجازه باشند  
 رئیس - آقای وکیل الملک (اجازه)  
**وکیل الملک** - بنده موافقم  
 رئیس - آقایانی که با این رایورت موافقت قیام فرمایند  
 (اکثر نمایندگان برخاستند)  
 رئیس - تصویب شد  
 چون فردا روز عید است و برای عرض تبریک حضور والاحضرت ولایت عهد باید شرفیاب شد شش نفر به حکم قرعه انتخاب می شود  
 (استقرا بعمل آمده آقایان ذیل انتخاب شدند)  
 آقایان: سلطان العلماء - صدرالاسلام رهنما - صدرائی - ایزدی - امیر اشرف - رئیس - آقای کازرونی (اجازه)  
**کازرونی** - بنده خواستم عرض کنم يك فقره خبر دیگر هم راجع به کی استوان است اگر اجازه می فرمایند قرائت شود  
 (شرح ذیل قرائت شد)  
 آقای کی استوان نماینده محترم به جهت اصلاح امور ریارة امور موقوفه شخصی و مشاهده بعضی از اوضاع عمومی مجلسی مجبور به حرکت بطرف انزلی بوده تقاضای مرخصی سه ماه کرده اند  
 کمیسیون پس از اصفاه و مذاکره در دلایل اظهار به ایشان تصویب می نماید که مدت دو ماه از تاریخ تصویب غایب با اجازه باشند  
 رئیس - آقای اخگر (اجازه)  
**اخگر** - بنده موافقم  
 رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)  
**محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس** - بنده هم موافقم  
 رئیس - مخالفی ندارد  
 (گفتند - خیر)  
 رئیس - رأی می گیریم به مرخصی سه ماهه آقای کی استوان  
 آقایانی که موافقت قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)  
 رئیس - تصویب شد  
 راجع بدستور روز شنبه دو فقره پیش نهاد شده است  
 یکی از آقای دامغانی دیگری از طرف آقایان حاج سیدالمحققین و طهرانی آقای دامغانی پیش نهاد کرده اند

پیشنهاد راجع بترجمه کتب در درجه اول جزو دستور باشد  
 آقای دامغانی (اجازه)  
**شریعت مدار دامغانی** - تشریح شود  
 شش ماه قبل این پیشنهاد داده شد روح موافقی که از طرف آقایان ظاهر شد و بیشتر از آقایان هم کرده اند و تقاضا کردند در مجلس شود و رفت بکمیسیون مبتکرات در قابل توجه شد و بر گشت بمجلس در مذاکره شد که مجدداً بر گردد بکمیسیون و جلب نظر دولت بشود تحصیل شد و باز قابل توجه دانستند که از آنکه در مجلس قابل توجه است و تقریباً مدتی است بودجه از مجلس و تصور نمی کنم چندان مذاکره گذشته است  
 دو وزارتخانه یکی عدلیه دیگری معارف بالاخره رد یا قبول باید نکند معلوم شود  
 لهذا بنده پیشنهاد کردم که در اول جزو دستور باشد و تکلیفش ام از رد معلوم شود  
 رئیس - رأی میگیریم  
**حاج میرزا عبد الوهاب** مخالفم  
 رئیس - بفرمائید  
**حاج میرزا عبد الوهاب**  
 آنروز هم عرض کردم حالا هم عرض کنم تا قانون ممیزی نگذرد نباید دیگری را بمجلس آورد برای این مملکتی که عمل مالیاتی آن مختل باید هر چه زودتر اصلاح شود زیرا کسی باید در خوار مالیات بگیرند و بخورند از يك کسی باید صد خورار بدهند و خورار میگیرند  
 این است که بنده معتقدم که بر همه قوانین قانون ممیزی است و قانون تمام نشود هیچ قانونی در مجلس نشود  
 رئیس - آقایانی که با آقای دامغانی را تصویب می کنند فرمایند  
 (عده قیام نمودند)  
 رئیس - تصویب شد  
 تقاضای دیگر راجع به حقوق فرخوم مجدداً اشراق و مستشار است آقای طهرانی (اجازه)  
**آقا شیخ محمد علی طهرانی**  
 آقای حاج میرزا عبد الوهاب خیلی دارند بممیزی انشاء الله برایشان است  
 لیکن این دو فقره لایحه مقدارش کم است یکی هجده تومان و دیگری تومان و صاحبانش هم بیچاره هستند

۹۳۱  
 چند دقیقه بیشتر هم طول نمی کشد لذا بنده پیشنهاد کردم که روز شنبه تشریح شود  
 رئیس - آقایانیکه تصویب میکنند دستور شنبه بشود قیام فرمایند (جمع کثیری قیام نمودند)  
 رئیس تصویب شد  
 آقای طهرانی (اجازه)  
**آقا شیخ محمد علی طهرانی**  
 بنده خواستم يك نکته را تذکر بدهم با آقایان بوضع ایام عید و ما مبارک رمضان دولت هدایت داشت باینکه مردم يك آسایش ووق الماده داشته باشد مخصوصاً نسبت از آنکه در مجلس قابل توجه است و تقریباً مدتی است بودجه از مجلس و تصور نمی کنم چندان مذاکره گذشته است  
 دو وزارتخانه یکی عدلیه دیگری معارف بالاخره رد یا قبول باید نکند معلوم شود  
 لهذا بنده پیشنهاد کردم که در اول جزو دستور باشد و تکلیفش ام از رد معلوم شود  
 رئیس - رأی میگیریم  
**حاج میرزا عبد الوهاب** مخالفم  
 رئیس - بفرمائید  
**حاج میرزا عبد الوهاب**  
 آنروز هم عرض کردم حالا هم عرض کنم تا قانون ممیزی نگذرد نباید دیگری را بمجلس آورد برای این مملکتی که عمل مالیاتی آن مختل باید هر چه زودتر اصلاح شود زیرا کسی باید در خوار مالیات بگیرند و بخورند از يك کسی باید صد خورار بدهند و خورار میگیرند  
 این است که بنده معتقدم که بر همه قوانین قانون ممیزی است و قانون تمام نشود هیچ قانونی در مجلس نشود  
 رئیس - آقایانی که با آقای دامغانی را تصویب می کنند فرمایند  
 (عده قیام نمودند)  
 رئیس - تصویب شد  
 تقاضای دیگر راجع به حقوق فرخوم مجدداً اشراق و مستشار است آقای طهرانی (اجازه)  
**آقا شیخ محمد علی طهرانی**  
 آقای حاج میرزا عبد الوهاب خیلی دارند بممیزی انشاء الله برایشان است  
 لیکن این دو فقره لایحه مقدارش کم است یکی هجده تومان و دیگری تومان و صاحبانش هم بیچاره هستند